

و بر اولی العلم و افئده منیره واضح است که غیب هُویّه و ذات احدیّه مقدّس از بروز و ظهور و صعود و نزول و دخول و خروج بوده و متعالیست از وصف هر واصفی و ادراک هر مدرکی لم یزل در ذات خود غیب بوده و هست و لایزال بکینونت خود مستور از ابصار و انظار خواهد بود لا تدرکه الأبصار و هویدرک الأبصار و هو اللّطیف الخیر ...

و چون ابواب عرفان ذات ازل بر وجه ممکنات مسدود شد لهذا باقتضای رحمت واسعه "سبقت رحمته کلّ شیء و وسعت رحمته کلّ شیء" جواهر قدس نورانی را از عوالم روح روحانی بهیاکل عزّ انسانی در میان خلق ظاهر فرمود تا حکایت نمایند از آن ذات ازلیّه و ساذج قدمیّه و این مرایای قدسیّه و مطالع هویّه بتمامهم از آن شمس وجود و جوهر مقصود حکایت مینمایند مثلاً علم ایشان از علم او و قدرت ایشان از قدرت او و سلطنت ایشان از سلطنت او و جمال ایشان از جمال او و ظهور ایشان از ظهور او و ایشانند مخازن علوم ربّانی و مواقع حکمت صمدانی و مظاهر فیض نامتناهی و مطالع شمس لایزالی ...

و این هیاکل قدسیّه مرایای اوّلیّه ازلیّه هستند که حکایت نموده اند از غیب الغیوب و از کلّ اسماء و صفات او از علم و قدرت و سلطنت و عظمت و رحمت و حکمت و

عزّت و جود و کرم و جمیع این صفات از ظهور این جواهر احدیّه ظاهر و هویدا است و این صفات مختصّ بعضی دون بعضی نبوده و نیست بلکه جمیع انبیای مقربین و اصفیای مقدّسین باین صفات موصوف و باین اسماء موسومند نهایت بعضی در بعضی مراتب اشدّ ظهوراً و اعظم نوراً ظاهر میشوند چنانچه میفرماید تلک الرّسل فضّلنا بعضهم علی بعض پس معلوم و محقّق شد که محلّ ظهور و بروز جمیع این صفات عالیه و اسمای غیر متناهیّه انبیا و اولیای او هستند خواه بعضی از این صفات در آن هیاکل نوریّه بر حسب ظاهر ظاهر شود و خواه نشود نه اینست که اگر صفتی بر حسب ظاهر از آن ارواح مجرّده ظاهر نشود نفی آن صفت از آن محالّ صفات الهیّه و معادن اسماء ربوبیّه شود لهذا بر همه این وجودات منیره و طلعات بدیعه حکم جمیع صفات الله از سلطنت و عظمت و امثال آن جاری است اگر چه بر حسب ظاهر بسلطنت ظاهره و غیر آن ظاهر نشوند ...